

بازخوانی سنت های قرآنی در حفظ سلامت اجتماعی

(مطالعه موردی، زنان مجرم)

چکیده

مسئله مواجهه با ناهنجاریهای اجتماعی باهدف تامین رفاه افرادجامعه، یکی از معیارهای سلامت اجتماعی از منظر علم جامعه شناسی می باشد. نظام اجتماعی اسلام در جهت مقابله با آسیب های اجتماعی سازوکارهایی اندیشیده که یکی از آنان اصلاح و بازگشت مجرمین به جامعه یا بازپذیری آنان است. براساس مطالعات قرآن و سیره پیامبر(ص)، مجرمان بسیاری اعم از مرد و زن براساس رویکرد عدالت ترمیمی دوباره به آغوش جامعه بازگشته و از سرمایه های اجتماعی بهره مند شده اند. هدف مقاله این است که با روش تاریخی-تحلیلی مبانی و روش های قرآنی را در برخورد با زنان مجرم بررسی و تحلیل کند تا تدابیر دینی در مسیر حفظ و تامین سلامت اجتماعی زنان، شناسایی گردد. یافته های پژوهش حاکی از آن است که اسلام با تکیه بر سرمایه های فردی و اجتماعی زنان مجرم نه تنها زمینه اصلاح آنان که قبيله و خویشانان را فراهم نموده و فرصتهایی چون مشارکت و فعالیت اجتماعی را جایگزین تهدیدهای زیسته فردی و اجتماعی زنان قانوشکن کرده است.

زنان مجرم؛ بازپذیری؛ امان؛ سلامت اجتماعی

رویکرد قرآن در برابر قانون شکنان

در قرآن و سخنان معصومین ابزارهای تشویقی ارزشمندی برای عفو کنندگان وجود دارد، مانند نیل به فضایل انسانی، حیات طولانی، کسب مقامات ربوبی و برخورداری از عزت نفس (صدوق، ص ۱۹۱؛ طوسی، ۱۸۲). البته اسلام عفو مجرمین را در هر شرایطی توصیه نمی کند، از این رو اگر گذشت موجب سرکشی مجرم، ضایع شدن حقوق مردم یا تعطیلی حدود الهی گردد، نوعی عمل ناشایست تلقی می شده و مستحق اجرای عدالت است (طرابلسی، ۲، ۱۸۲) به عبارت دیگر، در نظام حقوقی اسلام، برای تمامی مجرمین با توبه امکان جبران خطا ممکن است اما اگر گناهکار در صدد جبران بر نیاید، مستحق حدود و تعزیرات است الا لعنه الله علی الظالمین» (هود/۱۸).

قوانین و اصول قرآنی برای اصلاح و بازپذیری اجتماعی مجرمین

بی گمان در سیستم های قانونی مبتنی بر مجازات و حذف مجرم، جامعه بخشی از نیروی انسانی که میتواند در رشد و پیشرفت اجتماعی موثر باشد را از دست می دهد. در حالی که می توان با اقداماتی مانند عفو، تخفیف در مجازات، یا جبران نقدی خسارت که با هدف اصلاح و بازپذیری مجرم صورت می گیرد، این طیف آسیب دیده را ترمیم کرد و با سرمایه های جدید به اجتماع برگرداند. قرآن نیز در این راستا تدابیری اندیشیده که بیان خواهد شد:

۱- قانون صلح: سلام به معنای صلح و سلامت، یکی از نام های خداوند عز و جل؛ تحیت و شعار مسلمانان و پایان بخش بزرگ ترین عمل عبادی مسلمانان از مصادرواژه اسلام می باشد. یکی از شعائر قرآنی نیز «الصلح خیر» است. اگر چه رویکرد اسلام در مقابل مخالفان عفو و بخشش است اما اگر جامعه مورد هجوم دشمن قرار گیرد و کیان آن با خطر فروپاشی روبه رو گردد به حکم عقل و ضرورت، دفاع

از آن را بر توانمندان لازم می‌داند. اصلی که در تمامی جوامع، مکاتب و ادیان جهان پذیرفته شده و به آن عمل می‌شود البته رسول اکرم (ص) از جنگ و خونریزی پرهیز می‌کرد و هیچگاه جنگ را آغاز نکرد^۱. ایشان در کلیه جنگ‌های خود به موازین اخلاقی و اصول الهی و انسانی ملتزم بود و فرماندهان خویش را از کشتن زنان، کودکان و پیرمردان به شدت نهی می‌نمود^۲.

حضرت در قانون اساسی مدینه پذیرش صلح را به عنوان یک اصل مسلم قید کرد^۳ در جریان حدیبیه وقتی از جانب قریش پیشنهاد صلح شد. خداوند به پیامبر دستور داد اگر به صلح گراییدند تونیز با آغوش باز بپذیر. (یا ایها الذین آمنوا ادخلوا فی السلم کافه)^۴. در جهان بینی اسلام از جهاد در مقام ضرورت به عنوان آخرین ابزار استفاده می‌شود. پیامبر آمده بود تا بساط جنگ و خونریزی را برچیند. لذا خداوند به راه‌های گوناگونی آن را محدود نمود و در چهار ماه (رجب، ذیقعد، ذیحجه و محرم) یعنی یک سوم سال جنگ را تحریم کرد (، شیخ طوسی، جلد ۲ ص ۲-۳؛ شرائع الاسلام، ج ۱ ص ۳۷-۳۰۸)؛

۲- قانون امان و پناه: در اسلام اصالت با صلح و آشتی است از این رو قانون امان تشریح شده است. این قانون یکی از عوامل مرفعی و انسان دوستانه‌ای است که در جهاد اسلامی لحاظ شده و فتح بابی برای طالبان حق است تا در سایه این قانون هم امنیت جانی داشته باشند و هم از خونریزی جلوگیری شود^۵. طبق صریح قرآن اگر مشرکی از مسلمانی درخواست امان نماید باید به او پناه داد و این امان برای دیگران هم محترم است. قرآن می‌فرماید: (وان احد من المشرکین استاجرک فاجرہ حتی یسمع کلام الله ثم ابلغه مامنہ ذلک بانهم قوم لا یعلمون)^۶ اگر یکی از مشرکان از تو پناه خواست پناهش ده تا کلام خدا را بشنود سپس او را به مکان امنش برسان، این به سبب آن است که

۱. برای آگاهی از جنگ در دیگر ادیان بنگرید به: آثار الحرب، ص ۴۴-۵۲؛ الجهاد و الحقوق الدولیه العامه فی الاسلام، ص ۱۲۳-۱۳۳؛ القتال مشروعیه و آدابا فی الاسلام و الیهودیه و النصرانیه، حولیات کلیه الشریعه و الدراسات الاسلامیه، شماره ۹.

۲. سیره ابن هشام، ج ۲ ص ۱۵۰.

۳. مغازی و اقدی، ج ۲ ص ۷۵۷، الکافی، ج ۵ ص ۲۹-۳۰.

۴. نساء (۴): آیه ۱۲۸.

۵. احمد رشید میگوید: قانون امان از تاسیسات و اختصاصات نظام اسلام است و در دیگر نظام‌ها وجود نداشته است. اگر کسی در کلام ایشان تشکیک کند و بگوید قانون امان فی الجمله در دیگر ادیان و مکاتب نیز وجود داشته و دارد، در پاسخ باید گفت ولی بدون تردید به هیچ وجه پیشرفتگی و جامعیت قانون امان در جهاد اسلامی نبوده و نیست و گر نه در ایران باستان نیز قانون امان اجمالا وجود داشته است. اردشیر بابکان به فرزند خود شاپور یکم در مورد امان خواستن دشمن می‌گوید:

چو خواهد زد دشمن کس زینهار تو زینهارده باش و کینه مدار

شاهنامه فردوسی، ج ۲ ص ۱۲۲۱؛ حقوق بین الملل عمومی معاصر، ص ۱۹

۶- توبه (۹): آیه ۶.

اینان گروهی نا آگاه اند. طبری در ذیل این آیه نوشته است: این امان بدان جهت است که اینان از ایمان و دلائل آن آگاهی ندارند، پس به آنان پناه بده تا به کلام خدا گوش فرادهند و تدبیر کنند و آگاه گردند.^۹ طبق این قانون اگر ضعیف ترین فرد مسلمان از نظر رتبه اجتماعی یا مقام سیاسی و نظامی به دشمن امان دهد، امان او محترم است و به رسمیت شناخته می شود. زنان نیز از این اصل مستثنی نیستند و میتوانند دشمن را امان دهند همچنان که زینب دختر رسول خدا (ص) همسرش ابوالعاص بن ربیع را امان داد و رسول خدا امان او را محترم شمرد و پذیرفت.^{۱۰} همچنین در فتح مکه امان ام هانی دختر حضرت ابوطالب (ع) را مضا و قبول کرد.^{۱۱}

امام صادق (ع) می فرماید: همانا امیر المومنین (ع) پناه دادن بنده ای را به اهالی قلعه ای از قلعه های دشمن پذیرفت و فرمود: آن بنده هم از مومنان است. امام حسین (ع) هم هنگامی که به سرزمین کربلا رسید و زهیر بن قین بجلی از سرداران بزرگ سپاه آن حضرت، پیشنهاد شروع جنگ را داد و عرض کرده ام اکنون جنگیدن با اینان آسان تر از زمانی است که نیروی کمکی آنان فرارسد، امام (ع) فرمود: (ماکنت لابدهم بالقتال) من جنگ با آنان را آغاز نمی کنم.^{۱۱} البته گاهی امان یافتگان خیانت می کردند مانند معاویه بن مغیره در جنگ حمره الاسد که به اصرار عثمان بن عفان آزاد گردید. وی چند روز بعد در اطراف مدینه در حال جاسوسی دستگیر و کشته شد.^{۱۲} همچنین هشت نفر از عفو شدگان توسط پیامبر، به مدینه آمدند و مسلمان شدند، اما چون آب و هوای مدینه با آنان سازگار نبود لذا بیمار شدند. پیامبر (ص) فرمود: به چراگاه شترانش بروند و با نوشیدن شیر آنها بهبودی حاصل نمایند. آنان پس از بدست آوردن تندرستی خویش یسار شبان رسول خدا را سر بریدند و شتران حضرت را به سرقت بردند. پیامبر آنان را اسیر کرد و دستور فرمود آنان را مجازات کردند. آیات سی و سه و سی و چهار سوره مائده در این باره نازل شده است.^{۱۳}

۳- اصل فدیه: در دورانی که رسول خدا (ص) در مکه به سر می برد جهاد تشریح نشده بود لذا جنگی رخ نداد. حضرتش در مکه به فرمان خداوند با حکمت و موعظه و جدال احسن مردم را به دین اسلام فرامی خواند.^{۱۴} اما کفار قریش دعوت رسول خدا را نپذیرفته و به اذیت او و پیروانش پرداختند و در نهایت تصمیم به ترور حضرت گرفتند. پیامبر به ناچار مکه را ترک و به مدینه هجرت کرد. در آنجا نیز آسوده نبود و جنگ های پی در پی بر او تحمیل گشت. در این ایام، جهاد تشریح شد و پیغمبر برای دفاع از کیان اسلام و مسلمانان دست به شمشیر برد و به دفاع پرداخت که برخی از این درگیری ها هم به کشتار و اسارت منجر شد. تمامی کسانی که در جنگ های پیامبر (ص) اسیر

۹. مجمع البیان. ص ۸

۱۰. سیره ابن هشام، ج ۲ ص ۳۱۲

۱۱. مغازی و اقدی، ج ۲ ص ۸۳۰.

۱۲. تاریخ طبری، ج ۵ ص ۴۰۹

۱۳. طبقات ابن سعد، ج ۲ ص ۹۳

۱۴. نحل (۱۶): آیه ۱۲۵.

شدند، جز دوسه نفر، آزاد شدند و به زندگی عادی خویش بازگشتند. نخستین موردی که مسلمانان اسیر گرفتند مربوط به سریه ی عبدالله بن جهش است. یک نفر از کاروان قریش به نام عمرو بن حضرمی کشته شد و دو نفر به نام عثمان بن عبدالله و حکم بن کیسان اسیر شدند. پیامبر اسیران دشمن را با گرفتن فدیة آزاد کرد. گویند این دو نفر اولین کسانی بودند که به دست مسلمانان اسیر شدند.^{۱۵}

سال دوم هجرت سپاه قریش با دادن هفتاد تن کشته و هفتاد اسیر، سخت شکست خورد و پایه فرار گذاشت.^{۱۶} پیامبر فرمود: هیچ کس به اسیری که در دست برادرش است، دست درازی نکند و او را نکشد. عباس عموی پیامبر از فشار بندی که دست او را با آن بسته بودند ناله می کرد، یکی از مسلمانان بند او را راکمی آزاد کرد. حضرت فرمود: این کار را درباره تمامی اسیران انجام ده. سپس مسلمانان راهی مدینه گشتند. در بین راه دو نفر از اسیران جنایتکار و خطرناک، به دستور پیامبر کشته شدند. نصر بن حارث که همواره در سخنرانی های خود آیات الهی را به استهزا می گرفت و مردم را به مبارزه با آن فرامی خواند^{۱۷} عقبه ابن ابی معیط که همیشه رسول خدا را آزار می داد، او حتی یک بار آب دهان به صورت حضرت انداخت!^{۱۸}

پیامبر در جنگ بدر تصمیم به آزادی اسیران گرفت و فدیة ی هرنفر را به تناسب شخصیت و توان مالی بین هزار تا چهار هزار درهم قرارداد. سرانه تعدادی راهم که توان مالی نداشتند ولی با سواد بودند سواد آموزی ده نفر از کودکان مدینه قرارداد. ایشان عده ای راه هم که نه سواد داشتند نه توان مالی بدون فدیة آزاد ساخت^{۱۹}. در همین واقعه، ابو عزه ی شاعر نیز که فقیر و دارای پنج دختر بود بدون فدیة آزاد شد، به شرط آنکه دیگر کسی را علیه رسول خدا (ص) یاری نکند. کفار قریش هیأتی متشکل از چهارده نفر برای استرداد اسیران به مدینه فرستادند و اسیران قبیله خود را آزاد کردند و به مکه بردند.^{۲۱}

در نبرد با یهودیان بنی قینقاع نیز پیغمبر به کلیه یهودیان اسیر، منت گذاشت و همه ی آنان را عفو و آزاد کرد. منتهی دستور فرمود که دیگر در مدینه نمانند.^{۲۲} مسعودی تعداد مردان بنی قینقاع را چهارصد تن نوشته است.^{۲۳}

۱۶. مغازی و اقدی، ج ۱ ص ۱۳-۱۹

۱۷-همو

۱۸. تاریخ طبری، ج ۲ ص ۴۲-۴۷۹.

۱۹. تاریخ یعقوبی، ج ۲ ص ۴۶؛ کامل ابن اثیر، ج ۲ ص ۴۹.

۲۰. طبقات ابن سعد، ج ۲ ص ۲۲.

۲۱. مغازی و اقدی، ج ۱ ص ۱۴۰.

۲۲. سیره ابن هشام، ج ۳ ص ۵۰-۵۳.

۲۳. التنبيه والاشراف، ص ۲۰۶.

۴- اصل تخفیف در مجازات

در جنگ با یهودیان بنی نضیر پس از پیروزی مسلمانان ، رسول خدا(ص) از کشتن آنان صرف نظر و به اخراجشان اکتفا کرد.^{۲۴}

- اصل هدایت و اصلاح

در سریه ی ابو عبیده جراح به منطقه ذی القصه که ساکنانش قصد داشتند گوسفندان اهل مدینه را غارت کنند، یک مرد اسیر شد و با پذیرش اسلام آزاد گردید.^{۲۵} در سریه ی بشیر بن سعد هم دو نفر اسیر به مدینه که رسیدند مسلمان و آزاد شدند.^{۲۶}

سریه عیینه بن حصن به علت عدم پرداخت زکات طائفه ی بنی العنبر و شمشیر کشیدن روی عامل جمع آوری صدقات رخ داد. در این سریه یازده مرد و یازده زن وسی کودک اسیر شدند. پیامبر دستور داد آنان را در منزل رمله دختر حارث نگه داری کنند. آنگاه عده زیادی از بزرگان آنان برای استرداد اسیران خود به مدینه نزد رسول خدا(ص) آمدند و از ایشان درخواست آزادی اسیران را نمودند. حضرت تمامی اسیران آن هارا آزاد کرد. در سریه امیر المومنین(ع) به فلس که برای ویران کردن بتخانه ی فلس صورت گرفت عده ای از قبیله طی از جمله سفانه دختر حاتم طایی اسیر شدند پس از گفتگوهای سفانه با پیامبر ایشان به امیر المومنین دستور داد ، اسیران خاندان حاتم را از دیگر اسیران جدا سازند و حرمتشان را پاس دارند (واقعی ، ۲ ، ۹۸۹)

راهبردهای اسلام در تامین سلامت اجتماعی زنان مجرم

امروزه در سیستم های مدرن حقوقی دنیا، برای جبران گذشته و تقویت جایگاه بزه دیده راهکارهای غیر کیفری در حل مشکل جرم مورد تاکید قرار گرفته و از واکنش های جبرانی به جای تنبیهی به شدت حمایت می شود تا جایگاه بزه دیده در نظام عدالت کیفری تقویت گردد(آنسل، دفاع اجتماعی، ص. ۱۰۵). پیامبر پس از استقرار در یثرب علاوه بر ابلاغ رسالت، رهبری سیاسی جامعه را نیز به عهده گرفت. وی گام های جدیدی در جهت پی ریزی یک جامعه سالم بر اساس تعلیمات قرآنی برداشت. حضرت با اجرای طرح های پیمان اخوت بین مسلمانان و تصویب پیمان نامه مدنی برای همه شهروندان، در ایجاد انسجام اجتماعی تلاش کرد. از آنجاکه همه افراد جامعه پایبند به قانون نیستند، باید تدابیری نیز برای پیشگیری از آسیب های اجتماعی و کنترل جرم می اندیشید. از این رو یکی از اصول قرآن اجرای قسط و عدالت است. هر چند اسلام برای بنای یک جامعه سالم بیشتر بر مسامحه و مدارا با مخالفان خود اصرار دارد. بر اساس معارف و حیانی باب برگشت از خطا یا توبه همیشه مفتوح است و انسان میتواند گذشته خود را جبران کند. این دیدگاه موجب ترمیم بخشی از نیروی های آسیب

۲۴. سیره ابن هشام، ج ۳ ص ۱۹۹-۲۱۲.

۲۵. مغازی واقعی، ج ۲ ص ۵۵۲؛ تاریخ یعقوبی ج ۲ ص ۷۳.

۲۶. سیره ابن کثیر، ج ۳ ص ۳۱۸.

دیده و تامین سلامت اجتماعی می شود. با توجه به اینکه مجازات در قرآن به مفهوم کفر، شرک و انکار می باشد اکنون برخوردار اسلام با زنان مجرم مورد بررسی قرار می گیرد:

در ارتباط با دیدگاه قرآن نسبت به زنان دوقضاوت وجود دارد. گروهی نگاه قرآن را زن ستیز و مرد سالارانه می دانند و برخی این کتاب آسمانی را عاری از تبعیض های جنسیتی می شمارند. دسته اول برای اثبات نظر خود به اسارت و مجازات زنان در تاریخ اسلام استناد می کنند. روشن است در این میان، بازخوانی روایات تاریخی، میتواند پاسخگوی بسیاری شبهات و سوالات محققان باشد. واقعی نقل می کند: امیه دختر نوجوان قیس غفاری از رسول خدا خواست تا برای کمک به میروحین در نبرد خیبر شرکت کند و ایشان به احترام او پذیرفت. امیه برای نخستین بار در این سفر حیض شد و شرمگین در گوشه ای ایستاد. حضرت متوجه شد و ضمن آموزش مسائل بهداشتی، رواندازی به او داد و پارچه ای که خود را تطهیر کند. امیه نقل می کند: پیامبر با این رفتار آرامش وصف ناپذیری برای من به ارمغان آورد (واقعی، ۲، ۶۸۶). صفیه یکی از همسران پیامبر می گوید: وقتی دیگران بدلیل یهودی بودن مرا سرزنش می کردند و من رنجیده می شدم، پیامبر به من یاد می داد که از خود دفاع کنم و در پاسخ از ارادهندگان بگویم: پدرم هارون و عمویم موسی است (همو، ۶۷۵). پیامبر با زنان اسیر و قانون شکن، رفتاری کریمانه داشت تا شخصیت آنان پس از اسارت حفظ شود. اکنون برخی از سنت های بخشش در قرآن و اسلام بررسی می شود:

- سرمایه های اجتماعی: ام سلمه همسر رسول خدا پس از پیروزی مسلمانان در نبرد بدر نزد آن حضرت آمد و گفت: عموزاده هایم درخواست کرده اند آنان را به منزل من بیاورند تا از ایشان پذیرایی کنم؟ حضرت فرمود: من از هیچ کدام از این کارها ناخرسند نیستم، هرکاری میخواهی یکن. رسول خدا دستور داد تا با اسیران به نیکی رفتار شود در این داستان حضرت به احترام بانویی مسلمان، اسرا را تکریم می کند و در واقع پایگاه اجتماعی ام سلمه را به رسمیت می شناسد. بی گمان گذشت پیامبر سبب ترمیم روحیه و عواطف اسرا میگردد. به قول علامه شرف الدین ازقرائن معلوم بود که حضرت قصد کشتن اسیران بدر را نداشت، به امید آنکه در آینده هدایت و موفق به پذیرش اسلام گردند. با این حال از آنان فدیة بگیرد تا بنیه مشرکان تضعیف و در مقابل قنوت سپاه اسلام تقویت گردد. پیامبر تصمیم به آزادی اسیران گرفت و سرانه و فدیة ی هرنفر را به تناسب شخصیت و توان مالی بین هزار تا چهار هزار درهم قرارداد. تعدادی راهم که توان مالی نداشتند ولی با سواد بودند تا هر یک ده نفر از کودکان مدینه را خواندن و نوشتن بیاموزند و آزاد شوند. عده ای راه که نه سواد داشتند نه توان مالی بدون فدیة آزاد ساخت^{۲۷}. در همین واقعه، ابو عزه ی شاعر نیز که فقیر و دارای پنج دختر بود بدون فدیة آزاد شد، به شرط آنکه دیگر کسی را علیه رسول خدا (ص) یاری نکند.^{۲۸}

^{۲۸}. طبقات ابن سعد، ج ۲ ص ۲۲.

-خدمات اجتماعی: زینب دختر پیامبر پس از جنگ بدر و اسارت همسرش، گردن‌بندی را که حضرت خدیجه (س) شب عروسی ایشان بر گردن او آویخته بود، به عنوان فدیة ی ابوالعاص بن ربیع تقدیم رسول خدا کرد. حضرت تا چشمان مبارکش به گردن‌بند افتاد سخت متاثر گردید و قطرات اشک از چشمانش جاری گشت. آنگاه با صلاح‌دید مسلمانان ابوالعاص را بدون فدیة آزاد کرد و گردن‌بندی را که یادگار جناب خدیجه بود به زینب باز گرداند.^{۲۹} در واقع رسول خدا به منظور ارزش‌گذاری خدمات و دلسوزی های خدیجه برای اسلام، ابوالعاص را بخشید فدیة دخترش را برگرداند.

- مددکاری اجتماعی: پس از پیروزی اسلام در جنگ بنی مصطلق (۵ق) جویریة دختر حارث بن ضرار (رئیس قبیله) از حضرت برای تأمین سربهای خود کمک خواست و ادعای مسلمانی کرد. پیامبر (ص) نه تنها مال تعهد شده را پرداخت که با رضایت جویریة، با او ازدواج کرد. برکت این ازدواج مبارک، آزادی تمام اسرا بود.^{۳۰} در این داستان، پیامبر چون متوجه شد این بانوی اسیر برای آزادی خود مالی ندارد برای حفظ کرامت وی خودش فدیة را متقبل شد.

اعتماد اجتماعی: در نبرد حنین (۸ق) حدود ۶۰۰۰ کودک و زنان اسیر شدند، اما با شفاعت نمایندگان ایشان، پیامبر و مسلمانان را نزد یکدیگر شفیع قرار دادند و بیشتر ایشان آزاد شدند.^{۳۱} حضرت با پذیرش شفاعت نمایندگان قبیله به آنان اعتماد کرد که خود یکی از مهمترین عوامل حفظ سلامت اجتماعی است.

ارزش های اجتماعی: در نبرد مسلمانان با قبیله بنی سلیم^{۳۲} (۶ق)، یکی از زنان اسیر به نام حلیمه از قبیله مُزَینَه، مسلمانان را به محل استقرار بنی سلیم راهنمایی کرد که سبب پیروزی مسلمانان شد. بدلیل همکاری حلیمه حضرت شوهر وی را آزاد کرد.^{۳۳}

پیامبر با بخشش حلیمه و همسرش، کمک به حفظ امنیت جامعه را نوعی ارزش قلمداد نمود. بازسازی اجتماعی: نقل شده، فرتنا کنیز ابن خطل شعرهایی در هجو رسول خدا (ص) در مجالس بزم مشرکان می خواند. او پس از فتح مکه از سوی پیامبر (ص) مهدور الدم اعلام شد. فرتنا از مکه گریخت ولی بعد ناشناس به نزد پیامبر آمد و مسلمان شد.^{۳۴} حضرت علیرغم اینکه وی از اجرای قانون فرار کرده بود ولی با هدف اصلاح و بازگشت دوباره اش به جامعه ادعای فرتنا را قبول کرد.

۲۹. سیره ابن هشام، ج ۲ ص ۲۰۸

۳۰. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۵۳، ۲.

۳۱. ابن هشام، همان، دار المعرفه، ج ۴۸۸، ۲-۴۹۰.

۳۲. با توجه به آنکه بنی مُزَینَه نیز در کنار ایشان بوده‌اند، به نظر می‌رسد این قبیله بنی سلیم یکی از افخاذ بنی سالم از بطون بنی حرب بوده است؛ زیرا بنی مُزَینَه نیز یکی از افخاذ بنی سالم از بطون بنی حرب بوده‌اند (کحاله، معجم قبائل العرب القديمة و الحدیثه، ج ۱، ص ۲۶۰ پاورقی، ج ۲، ص ۵۴۲) و مقصود از آن قبیله بزرگ، بنی سلیم بن منصور از شاخه‌های قیس بن عیلان از قبایل عدنانی (نک: همان، ج ۲، ص ۵۴۳ به بعد) نیست.

۳۳. ابن اثیر، تاریخ ...، ج ۷، ص ۲۳۹.

۳۴. ابن اثیر، همان، ج ۷، ص ۲۹۸.

رضایت اجتماعی: پس از جنگ بدر، حکیمه، همسر عکرمه بن ابی جهل از حضرت برای عکرمه امان خواست و ایشان پذیرفت. عکرمه اسلام آورد و از پیامبر (ص) خواست برای وی طلب آمرزش کند. پیامبر (ص) برای او طلب آمرزش کرد در اثر این گذشت، عکرمه گفت: بیشتر در جلوگیری از راه خدا می‌جنگیدم اکنون چند برابر آن در راه خدا خواهم جنگید.^{۳۵} بدین ترتیب پیامبر با رفتاری انسانی سبب احیای حیثیت عکرمه و در نتیجه رضایت وی شدند.

شبکه های اجتماعی: پیامبر چون در میان اسرای قبیله هوازن خواهر رضاعی خود، شیماء را شناخت، عیای خود را پهن کرد و فرمود: می‌توانی پیش من بمانی یا پیش قومت برگردی. ایشان به سربازان خود فرمود: عمه‌ها و خاله‌های من در این قوم هستند تا مراقب رفتار خودباشند.

حمایت های اجتماعی: صفیه دختر حنی بن اخطب نقل می‌کند هنگام بازگشت اسرای خیبر به مدینه پیامبر با مهربانی مرا بر مرکب خود سوار کرد. . ی در بین راه از من دلجویی می‌کرد و می‌فرمود: قدری تحمل کن صفیه تا به استراحتگاه برسیم. من از تو معذرت می‌خواهم صفیه که چنین اتفاقی برای تئ افتاده است. صفیه می‌گوید چون می‌خواستم از شتر پیاده یا سوار شوم آن حضرت زانو خم می‌کرد تا کف پای خود را برزانوی ایشان بگذارم (واقعی، ۲، ۶۷۲-۶۷۳). به نظر می‌رسد اینچنین کمکهای عاطفی و روحی نبی اکرم از کنیزی اسیر بی نظیر باشد

البته زنانی هم بودند که بدلیل اسلام ستیزی و اصرار بر آن مورد اغماض قرار نگرفته اند چون امیدی به بازگشت آنان نبوده است مانند دختر مروان زنی منافق از قبیله بنی‌امیه بن زید که بر ضد اسلام شعر می‌گفت. رسول الله (ص) به اصحاب گفت: کسی هست که شر عصماء را کم کند؟ عمیر خطمی شبی به خانه وی درآمد و او را کشت و چون آن را به رسول الله (ص) خبر داد، آن حضرت گفت: ای عمیر! خدا و رسولش را یاری کردید.^{۳۶}

^{۳۵}. واقعی، المغازی، ج ۲، ص ۸۵۱-۸۵۳؛ بلاذری، جمل من ...، ج ۱، ص ۳۵۷؛ طبری، همان، ج ۳، ص ۱۱۸۸.

^{۳۶}. واقعی، المغازی، ج ۱، ص ۱۷۲-۱۷۴؛ ابن هشام، همان، دارالمعرفه، ج ۲، ص ۶۳۶-۶۳۷؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۲۰-۲۱؛

ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۳، ص ۱۲۱۸.

این در حالی است که پیامبر از قاتل خود کی گذرد چ.ن یک مسئله شخصی است. ایشان، زینب دختر حارث یهودی و زن سلّام بن مشکم را که با گوسفندی بریان و مسموم قصد جان ایشان را داشت؛ بخشیدند.^{۳۶}

نتیجه

رویکرد حقوقی اسلام در مواجهه با قانون شکنان نیز مبتنی بر اصلاح آنان و برگشت به جامعه است. از آنجاکه قول و فعل پیامبر براساس وحی الهی شکل می گیرد پس فهم سنت نبوی به نوعی فهم معارف قرآنی است. این مطالعه نشان داد پیامبر براساس دستورات الهی در برخورد با قانون شکنان از ناچیزترین قابلیت های آنان برای اصلاح و هدایتشان بهره می جست تا تمامی شهروندان فرصت مبارکت در ساختن آینده خود را داشته باشند.

فهرست منابع

- آنسل، مارک، دفاع/اجتماعی، مترجم: محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ چهارم، تهران: گنج دانش، ۱۳۹۱، ابن اثیر، *الکامل فی التاریخ*، تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۱۷
- ابن سعد، ابو عبدالله محمد، *الطبقات الکبری*، بیروت، دار الکتب العملیه، ۱۴۱۸
- ابن هشام، عبدالملک بن هشام، *السیره النبویه*، بیروت، دارالمعرفه، بی تا،
- بلاذری، احمد بن یحیی، *جمل من أنساب الأشراف*، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ق.
- بولک، برنارد، *کیفرشناسی*، مترجم علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، نشر مجد، ۱۳۹۱.
- صدوق، من لا یحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴
- طبرسی؛ فصل بن حسن، جامع البیان، تهران، فراهانی، بی تا
- طبری، محمد بن جریر بن یزید، *تاریخ الطبری*، بیروت، دار التراث، ۱۳۸۷ق.
- طوسی، الرجال؛ قم، منشورات الرضی
- کلینی، اصول کافی، قم، دارالحديث
- مجلسی، بحار الانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، *تاریخ الیعقوبی*، بیروت، دار صادر، بی تا.

